

رئیس‌جمهور آمریکا در جدیدترین پیام وتیتری خود نوشت: زمانی که مهاجران به شکل غیرقانونی به آمریکایی آیند، دولت باید بی درنگ و بدون طی کردن مراحل طولانی قانونی، آن‌ها را بیرون کند. ترامپ با بیان این که قوانین آمریکا احقمانه‌ترین در نوع خود هستند، نوشت: جمهوری خواهان به دنبال مرزهای مستحکم و به حداقل رسیدن جرایم هستند اما دموکرات‌ها به دنبال مرزهای پوده‌اند و در مقابله با جرایم ضعیف عمل می‌کنند.

اندیشکده روز

«اول آمریکا»، مقدمه زوال نفوذ آمریکا

تعداد روزافزونی از ناظران بار دیگر درباره زوال برتری آمریکا را تکرانی می‌کنند. آن اِلِپام، ستون‌نویس روزنامه واشنگتن پست پس از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از توافقی هسته‌ای ایران و شش وی با متحدان کلیدی آمریکا نوشت: بانگ‌های به گذشته می‌توان دریافت که دوران سلطه آمریکا... به میزان قابل توجهی کوتاه بود. خروج از توافق نامه مشارکت ترانس – پاسفیک، انزوای آمریکا، بیشتر کرده است. دونالد ترامپ آرام‌تضعیف کرده به چین امکان داده تا طرح‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خود در منطقه را به پیش ببرد. تنش‌های تجاری با متحدان دیرینه از جمله اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا و مکزیک، انزوای آمریکا، بیشتر کرده است. دونالد ترامپ برخلاف رؤسای جمهور قبل از خود به‌تردید گرایي در باره حمایت آمریکا از آن چه که "نظم پس از جنگ" خوانده می‌شود، کمک کرده است. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد نفوذ آمریکا در امور دنیا رو به کاهش است – این نتیجه‌ای است که تحقیقات اخیر تأیید می‌کند: ماه گذشته، یک اندیشکده در سیدنی استرالیا به نام "موسسه لوی" به این نتیجه رسید که حالی که آمریکا هنوز قدرت غالب در منطقه آسیا-اقیانوس آرام است، اما چنین تا سال ۲۰۳۰ به قدرت برتر این منطقه تبدیل خواهد شد. اما تغییر در قدرت جهانی بیش از آن چه که به نظر می‌رسد پیچیده است. در حالی که ظهور دیگر کشورها و تعداد روزافزون کشنگران غیردولتی به این معناست که زوال نسبی آمریکا احتمالاً ادامه‌پذیر خواهد کرد، اما چیزی بیش از ویژگی‌هایی که در اخبار به چشم می‌خورد برای جایگاه برتر یک کشور لازم است. یک کشور صرفاً با نیروی نظامی که در اختیار دارد به یک قدرت برتر تبدیل نمی‌شود، بلکه با چشم اندازی که برای خود ترسیم می‌کند چنین جایگاهی پیدامی‌آید. یک کشور با مفهومی از امور جهانی را اجزای کند که دیگران را جذب کندو این امکان برایش فراهم‌شود که اهدافش را به پیش ببرد و ارزش‌هایش را بیش از پیش تقویت کند. واشنگتن برتری قابل توجهی نسبت به یکی از این نظر دار دو همین دلیل است که بعد است شاهد انتقال رفتار شفاف‌وارشکار میان این دو کشور باشیم و این دو کشور احتمالاً به سمت توازن دوجانبه سیال و مبهمی حرکت خواهند کرد. یکی از شاخص‌ها، اصلی‌مسئله‌ی ملّی را در نظر بگیریم: توان نظامی. بر اساس پیش‌بینی موسسه بین المللی مطالعات راهبردی، «بودجه‌های نظامی پکن تا واسطه دهه ۲۰۳۰ از بودجه‌های نظامی آمریکا پیشی خواهد گرفت. در چند دهه‌ای که حاشیه‌ی امنیت کنونی آمریکا ممکن است هم اکنون این وضعیت یک جانبه را حفظ کند، اما اگر این شرایط ادامه‌پذیر کند ممکن است زوال نسبی آمریکا تسریع شود. آمریکا با این کار ممکن است باعث شود متحدانش وابسته خود به قدرت آمریکا، کاهش دهند اما هنوز طور که هبران غربی پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران و تصمیم ترامپ در حمایت نکردن از بیابیه نشست جی ۷ واشنگتن را به چنین اقدامی تهدید کرد (دند). ظهور مجدد چین طی چهار دهه گذشته را می‌توان فوق‌العاده‌ترین نوع انباشت قدرت در تاریخ تلقی کرد. نگر به قیپ برینه‌به خط‌ناک آمریکا در عرصه سیاسی تبدیل شده است و کنترل خود بر دریای چین جنوبی را تقویت کرده، بره‌وزه‌های کلان ژئواستراتژیک مانند "بره‌وزه گادو" بر بندر "آواناچی" گفتمان خود علیه ایدئولوژی غرب را تقویت کرده است. پس‌برای سبقت گرفتن از آمریکا به عنوان قدرت برتری که جامعه جهانی را هدایت می‌کند، احتمالاً لازم درتش را با هدف پیش‌بر اهداشش می‌چرا، حزب‌مفهوم منسجم امر جهانی به کار گیرد. ساموئل هانتینگتون، یک دانشمند سیاسی سه دهه قبل گفت: یک قدرت برتر باید دیدگاهی پیشینیانی کند که برای همه در فراتر از مرزها جذابیت داشته باشد. چنین هنوز به این اندازه امیدبخش است‌اولی در آینده خواهد رسید، تنها به این دلیل که به شدت از یکپارچه کردن خود در نظم پس از دوران جنگ‌متنفع شده است بلکه به علت مسئولیت‌هایی که یک قدرت برتر باید داشته باشد، مسئولیت‌هایی که مناسیر از رنسانس ملّی دومی است. در حالی که سیاست خارجی چین به این کشور توانایی ایجاد قدرت ملّی قابل توجهی داده است، اما پکن نتوانسته چشم اندازی در درون شبکه‌ای از ائتلاف‌ها ایجاد کند. اگر آمریکا می‌خواهد به نقش کلیدی خود امور بین‌المللی ادامه دهد، باید تمرکز خود را کمتری بر ایبتکاری که از دل چین بیرون می‌آید بگذارد و آمریکا باید در عوض تمرکز خود را بر تقویت نقاط قوت اصلی‌اش بگذارد. – یکی از آن ناظمی‌هایی بوده است که به‌به‌بودی مناطق جنگ‌زده کمک کرد و دودوپلیتیک با حاصل جمع سیاست‌ها را به دنبال داشته است. چالش‌های فرامرزی از جمله تهدیدات سایبری و تغییرات آب‌وهوایی در حال به چالش کشیدن قابلیت‌های حل مسأله است. سرانجام، همان طور که نزدیک‌ترایات جنگ جهانی اول تا سال ۲۰۱۶ نشان داد، آمریکا‌هایی که در حال تجربه درافشن در سختی اقتصادی و استرس جمعیت شناختی هستند تعهد کمتری در قابل "نظم"، همکاری و رهبری "دارند و این مسئله قابل درک است. به طور خلاصه، واشنگتن باید تلاش‌ها را برای زبای در داخل و خارج برای انجام دهد تا نظامی‌ا که پس از جنگ جهانی دوم ایجاد کرد مدرن سازی کند. هم اکنون، همان‌طور که از اظهار نظر‌های متحدان دیرینه آمریکا بر می‌آید، واشنگتن فعالانه در حال تقویت این چارچوب و منبع اصلی مزیت رقابتی خود است. وزیر دفاع سسگاپور در نشستی در ماه جاری بر سپید: "آیا کشورهایی مانند چین و آمریکا در باره یک نظم قاعده محور توافق می‌کنند، نظمی که برزیدنت‌شی گفت متعادل‌تر خواهد بود؟ برای آمریکا این پرسش دشواری که متحد کلیدی آمریکا است نیست که دو کشور را به این شیوه در کنار یکدیگر قرار دهد و به‌طور ضمنی تعهد این کشور به یک نظم قاعده محور را زیر سوال ببرد. پیش از نشست که به هفت‌ماهگی برای آن‌ها امونول‌کارزار رئیس‌جمهور فرانسه حتی پا را فراتر گذاشت و گفت: رئیس‌جمهور آمریکا را بیش‌هست که منزوی شود، اما ما هم برای مان مهم نیست یک توافق شش جانبه را در صورت لزوم اضا می‌کنیم. زیرا این شش کشور با یکدیگر از راه‌ها هستند، آن‌ها نماینده یک بازار اقتصادا هستند که تاریخ پشت آن است و اکنون نیروی واقعی بین المللی است. طرفداران رویکرد "اول آمریکا" در سیاست خارجی ممکن است نگران چنین اظهار نظرهایی نباشند یا بر این باور باشند که نفوذ آمریکا بیشتر ناشی از یک چشم انداز راهبردی است. اما آن‌ها بهتر است سخنان ریعمندآرون، به نظر بهرپراز سیاسی فرانسوی را نیز به یاد آورند که استدال کرد: توان یک قدرت بزرگ مانند آمریکا به این‌ها نیست که این قدرت در دیگر در خدمت یک دیدگاه باشد.

رئیس‌جمهور آمریکا در جدیدترین پیام وتیتری خود نوشت: زمانی که مهاجران به شکل غیرقانونی به آمریکایی آیند، دولت باید بی درنگ و بدون طی کردن مراحل طولانی قانونی، آن‌ها را بیرون کند. ترامپ با بیان این که قوانین آمریکا احقمانه‌ترین در نوع خود هستند، نوشت: جمهوری خواهان به دنبال مرزهای مستحکم و به حداقل رسیدن جرایم هستند اما دموکرات‌ها به دنبال مرزهای پوده‌اند و در مقابله با جرایم ضعیف عمل می‌کنند.

نبی شریفی